

امت واحده اسلامی؛ فرصت ها و چالش های فرارو

امت واحده اسلامی؛ فرصت ها و چالش های فرارو

محمد جواد موسی نژاد

چکیده

بیداری اسلامی یک پدیده ی اجتماعی است که مردمان این روزگار شاهدان عینی و راویان آینده ی آن می باشند. هر پدیده ی اجتماعی به نوعی محصول وقایعی می باشد که در بستر جامعه به صورت پروسه و یا پروژه صورت پذیرفته است. پدیده ی بیداری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نمی باشد. در یک نگاه کلی می توان بیداری اسلامی را محصول توأمان نگاه استعماری و ابزار ی غرب و ضعف دستگاه های سیاسی بلاد اسلامی که موجبات عقب ماندگی آن ها را فراهم آورده بود، دانست. موج جدید بیداری اسلامی حدود آذرماه سال 1389 در تونس انتشار سپس به کشورهای مصر، الجزایر، لیبی در آفریقا و یمن، اردن، بحرین و حتی عمان و عربستان و با شدت و ضعف هایی به سایر کشورهای منطقه نیز کشیده شد. حال این تحولات نوید بخش آینده روشنی برای کشورهای اسلامی است. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد و هدف این مقاله در این است که با بررسی و شناخت ابعاد مختلف سیاسی فرهنگی اجتماعی و اقتصادی دولت ها و ملت های

اسلامی، نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و چالش های پیشرو در امر تحقق امت واحده اسلامی در موج جدید بیداری اسلامی را شناسایی و راهکارها و راهبردهایی جهت اخذ استراتژی مناسب در برخورد با تحولات ارائه دهد و همچنین به تبیین نقش و جایگاه جوانان در کشورهای اسلامی و ضرورت حضور فعال آنان در تحقق اهداف عظیم اسلامی و انقلابی بپردازد.

کلمات کلیدی: بیداری اسلامی، امت واحده اسلامی، جوانان، فرصت ها و چالش ها.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) در سال 1979 میلادی، تاریخ خاورمیانه و اسلام وارد مرحله جدیدی شد، برای اولین بار طی قرون اخیر، درست زمانی که ابر قدرت های شرق و غرب کشورهای جهان را میان خود تقسیم کرده بودند، و پهنه گیتی را جولانگاه سلطه طلبی های دنیوی و مادی خویش قرار داده بودند، خروشی از اعماق وجودی ملت ایران برخاست، طنین فریاد نه شرقی و نه غربی جهان را به لرزه درآورد، گویی رستاخیز دیگری رخ داده بود؛ ملت ایران در 22 بهمن ماه از خواب بلند زمستانی چند صد ساله برخاسته و ندای حق طلبی، عدالت خواهی و بازگشت به اسلام راستین آنان، هیمنه دو ابر قدرت شرق و غرب را شکست. تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، استکبار جهانی و عمال وابسته آنها در نگه داشتن مردم در جهل و ناآگاهی، تا حدود زیادی موفق بوده اند و با طرح مواردی از قبیل نمی شود، قضا و قدر و تقدیر الهی چنین است، اوضاع موجود را توجیه می کردند. آن دسته از مردم نیز که فاقد شجاعت و جرات لازم جهت مبارزه بودند برای سرپوش گذاشتن بر این ضعف خود به توجیهات فوق بیشتر دامن می زدند. لکن به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آگاهی و بیداری گسترده ای در بین مردم مسلمان و مستضعف جهان پدیدار گشته و شجاعت لازم را برای مبارزه به دست آوردند و نوید بخش آغاز عصر جدیدی در تاریخ سیاسی منطقه گردید؛ که لحظات سرنوشت ساز آن در آذر ماه سال 89 از کشور تونس شروع شد و به سرعت به دیگر کشورهای اسلامی تسری یافت و مردم کشورهای تونس، لیبی و مصر با الگوگیری از آموزه های عمیق عقیدتی و سیاسی اسلام ناب محمدی، در مقابل حکام ظلم و جور که دست نشانده استعمارگران شرق و غرب بودند، قیام کرده و آنان را از صحنه قدرت در کشورهاشان کنار زده و فصل جدیدی را در تاریخ سیاسی کشورهای خود گشودند و این امواج خروشان مردمی که حاصل بازگشت به ارزش های معنوی اسلام ناب محمدی است روز به روز در کشورهای اسلامی شعله ور شده و با توجه به جوانی جمعیت کشورهای اسلامی و وجود روحیه نشاط، عدالت جویی، حق طلبی و بی پروایی انقلابی در

جوانان کشورهای اسلامی به عنوان موتور محرک خیزش‌ها و قیام‌های مردمی، امید است که با غلبه بر جبهه شرک و نفاق در جهت تحقق امت واحد اسلامی راهگشا و موثر واقع شود و ما شاهد فصل جدیدی در تاریخ سیاسی جهان اسلام باشیم.

تعاریف و مفاهیم

1-2 بیداری اسلامی

بیداری ضد خواب است و در معنای فعال شدن (هوش) آگاهی به کار می‌رود. بنا براین بیداری اسلامی به معنای ظهور و فعال شدن اسلام ناب در انسان و جامعه است. به بیان دیگر بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است، اسلامی که مبتنی برآموزه‌های قرآن و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) باشد. ومعنای تجدید حیات و جان گرفتن تازه‌ای در کالبد خوابیده و فرتوت قدیمی خود می‌باشد که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی بار دیگر زنده می‌شود، یا حیات تازه می‌یابد. بیداری واحیا گری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است و به همین دلیل غبار از سیمای دین زدوده و صورت و سیرت دین آشکار می‌شود که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. معنا و پیام بیداری اسلامی این است که به اسلام ناب باز گردیم تا عزت گذشته خویش را باز یابیم. هدف از نهضت بیداری اسلامی ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کار گیری ارزش‌های خالص اسلامی و تجربه انسانی تمدن بشری است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع می‌شود (دفتر تبلیغات اسلامی: 359، 1385).

2-2-ریشه‌ها و عوامل بیداری اسلامی

1) ورود نسل جدید با ویژگی‌های انقلابی به عرصه منازعات که فهم ریشه‌ای و واقعی‌تری از علل عقب افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود به ویژه در حوزه فکری و فرهنگی دارند.

2) توجه به وحدت دینی و بن‌مایه‌های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت‌های خصم و استکبار برای ایجاد گسست در جهان اسلام.

۳) (حوادث بیدار کننده منطقه ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب با محوریت آمریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود، آثار چشم‌گیری بر بیداری اسلامی دارد.

4) (رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه‌های تبلیغ اسلام.

5) (انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در حرکت بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است.

2-3- تاریخچه بیداری اسلامی

ظهور اسلام، تحولی عظیم در تاریخ بشریت آفرید، به گونه ای که مرزهای نژادی، جغرافیایی و قومی را درنوردید و بر پایه کلمه **ا**، جوامع مختلف را به یکدیگر نزدیک ساخت و در میان اقوامی که نه بهره ای از فرهنگ و تمدن آن زمان برده بودند و نه قدرت مادی داشتند، قدرت مادی و معنوی شگرف و شگفتی به وجود آورد که هم عزم دنیوی آنها را فراهم ساخت و هم آنان را به اوج معنویت رساند. (شیرودی: 5، 1388). فرهنگ و تمدن اسلامی همچنان در حال گسترش بود و حتی زمانی که تمدن اسلامی در اوج شهرت خود قرار گرفت، تمدن غرب در خواب فرو رفت، به گونه ای که بعدها غربی ها آن دوران را عصر تاریکی در غرب (قرون وسطی) نام نهادند؛ زیرا آنان در برابر اسلام چیزی برای عرضه داشتن به جهان بشریت نداشتند. جنگ های صلیبی نیز که در طول دو قرن نتوانست آنچه را که از نظر نظامی مدنظر داشت، بدست آورد، سبب آشنایی تدریجی غربیان با فرهنگ و ادبیات و پیشرفت های فکری جهان اسلام شد و زمینه بیداری آنان را فراهم ساخت. به همین دلیل، دوره رنسانس، پشت سر گذاشتن عصر تاریکی و آغاز دوره ای بود که به آن، عصر روشنگری یا روشنایی گفته اند. بدین ترتیب، غربیان تحت تاثیر جهان اسلام و با الگو گیری از آن، کم کم توانستند پیشرفت های شگرفی در قرن های هفده، هجده و نوزده به وجود آورند. (ولایتی، 1384: 132). در این دوران جهان اسلام رفته رفته تحت تاثیر دو عامل به خواب فرو رفت و از افکار و اندیشه های ناب اسلامی دور ماند؛ نخست استعمار و استثمار غرب در این منطقه مهم جغرافیایی و فکری، و دیگری، استبداد و انحراف حاکمان مسلمان. این دو عامل، آسیب مهلکی بر پیکره جهان اسلام آورد که در جنگ جهانی اول به اوج خود رسید. از این رو، تهاجم حیرت آوری از لحاظ نظامی و فکری از سوی غرب بر جهان اسلام آغاز شد، به گونه ای که از خود بیگانه شد، اسلام را عامل عقب ماندگی دانستند و در نتیجه، در پی آن بودند که شاید با الگو گرفتن از غرب بتوانند عقب ماندگی خود را جبران سازند. البته در این دوران، کسانی هم بودند که با هوشیاری و درک عمیق از اوضاع و شرایط به

این نتیجه دست یافتند که دلیل عقب افتادگی و به خواب رفتن جهان اسلام، از اسلام نیست، بلکه بدان دلیل است که مسلمانان از اسلام دور شدند و از اندیشه های اسلامی فاصله گرفتند. در این میان، شخصیت هایی همچون سید جمال الدین اسد آبادی، سید قطب و حسن البنا، تلاش های بسیاری کردند تا مسلمانان را از خواب سنگین، بیدار و به آنها بفهمانند که علت شکست و عقب افتادگی آنها چیست و چه باید کرد؟ آخرین ضربه اساسی جهان غرب بر جهان اسلام، شکل دادن و تحمیل صهیونیسم بود که بذر آن، در سرزمین مقدس فلسطین کاشته شد. در این زمان، آرنولد توین بی، تاریخ نگار معروف انگلیسی، در کتاب تمدن در بوته آزمایش، در بررسی تمدن ها جمله بسیار مهم و تاریخی را بیان داشت: «پان اسلامیزم خوابیده است، اما اگر مستضعفین جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته، بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظام اسلام موثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند» (همان، 217). پیش بینی توین بی در 1979 م. با انقلاب اسلامی ایران که انفجار نور بود، همراه گشت؛ انقلابی که با دست خالی و با تکیه بر شعار "اِلاَ اکبر" و بازگشت به ارزش های اسلامی در مقابل همه قدرت های بزرگ و ابر قدرت ها ایستاد و توانست نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران، بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام و بلکه در کل تاریخ بشری به شمار آید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج این کشور از اردوگاه غرب، همچنین ماهیت اسلامی این انقلاب، تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه ای گذاشت (آدمی، 1391: 142). بی تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده است (Kirkpatrick and Nordland, 2011: 8). و بسیاری از تحلیل گران، جنبش های اخیر خاورمیانه را با انقلاب 1327 در ارتباط می دانند و این حرکت ها را اهام گرفته از انقلاب ایران می دانند (Dareieni, 2011: 12). با این حرکت، آن خفته، بیدار و به سرعت در سراسر جهان اسلام گسترش یافت. و با موج جدیدی که در این چند ماهه در کشور های اسلامی به راه افتاد و در کشورهای تونس لیبی و مصر حاکمان ظالم و دست نشانده آمریکا را به زیر کشانید سیلی محکمی بر گوش استکبار جهانی بود.. این حرکت که از دهه های پیش با انقلاب اسلامی ایران جان تازه ای گرفت و در این چند ماه با قیام ملت های مسلمان، مصر تونس یمن، لیبی و بحرین همراه است به یقین به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم خواهد شد.

2-4- امت واحده اسلامی

قرآن کریم، تشکیل امت واحد را یک برنامه وسیع و جهانی، برای تحقق حکومت واحد می داند. برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف، به ظهور مصلح آخر الزمان نوید داده است که این امت جهانی را بنیان می نهد. (حامد: 1381، 24). «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ» کلمه "امة" به معنای جماعتی است که مقصد واحدی آنها را جمع کرده باشد. مراد از امت، دین است، و

اشاره به کلمه "هذه" به دین اسلام است که دین همه انبیا بوده. و مراد از اینکه فرمود "امت واحده" ای است" این است که اجتماع انبیا و بلکه اجماعشان بر آن است. و معنای آیه این است که: ملت اسلام ملت شما است، که واجب است حدود آن را حفظ کنید، و ملتی است که همه انبیا (ع) بر آن اتفاق دارند. إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ مَقْصُودُ از «امت» ، دین اسلام است، یعنی دین اسلام. دین شماست که واجب است به آن معتقد باشید و از آن منحرف نشوید و کلمه «واحدة» که اشاره به عدم اختلاف است بر همین معنا دلالت دارد.[1]

5-2- فلسفه امت واحده

بی تردید از مهم ترین مسائل امروز جهان اسلام، وحدت است که به دلایل زیر ضروری می نماید:

1- وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می تواند، تکیه گاه استواری برای مسلمانان، در رویارویی های فرهنگی بین تمدن ها باشد، زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری متری برخوردارند؛ اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده، اتحادی ایجاد نشود – چنان که در حال حاضر چنین است – این مجموعه عظیم کارآیی نخواهد داشت.

2- وحدت اسلامی می تواند، زمینه گسترده ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله، در رویارویی های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

3- وحدت اسلامی موجب الگو شدن دیدگاه های اسلامی است.

4- وحدت اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری ها و بحران ها و برخورد با دشمنان خارجی می افزاید. قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد که وحدت، مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَعَفَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبُرُوا إِنَّ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ و اختلاف کلمه نداشته باشید که بد دل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

5- وحدت اسلامی دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است. (حکیم: 31، 1371).

6- وحدت، عامل اساسی در پیروزی پیامبر اسلام و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ وحدت همواره و در همه جا عامل پیروزی بوده و خواهد بود. (همان)

2-6- علل فرو پاشی امت واحده

برخی عواملی که موجب فروپاشی امت واحده (و حتی وحدت) می شود از این قرار است:

- 1- ظلم، حسد و نزاع در طلب دنیا: عده ای برای کسب مادیات، از روی علم و آگاهی، در کتاب خداوند اختلاف ایجاد کرده و موجب تفرقه و فروپاشی امت واحد شدند: «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم» [2] .
 - 2- عدم موفقیت در ابتلا و آزمایش الهی: خداوند به رغم اینکه می توانست، مردم را قهرا به اتحادی که مطلوب اوست، وادارد؛ لکن به آنان اختیار داد که خود این راه را برگزینند تا بیازماید که چه کسانی نعمت های خدا را در راهی که مطلوب خداست، در راستای ایجاد وحدت، به کار می برند و چه کسانی تخلف کرده، به اختلاف و تفرقه چنگ می زنند: «ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة و لكن لیبلوکم فیما آتاکم»؛
 - 3- فرقه گرایی ها و تفرقه طلبی های مردم: «و لا تكونوا من المشرکین من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعا»؛ [3] و از مشرکان می باشد، از همان کسانی که دینشان را پاره و پراکنده کردند و فرقه فرقه شدن.
 - 4- تفرقه افکنی های دشمنان: دشمنان اسلام از آغاز ظهور اسلام تاکنون، همواره برای تفرقه اندازی و فروپاشی وحدت اسلامی تلاش کرده و می کنند: «يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا بطانة من دونكم لا يألونكم خبلا و دوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفى صدور هم اكبر»؛ [4]
 - 5- وسوسه ها و القائنات شیطانی: «ان الشيطان ينزغ بينهم ان الشيطان كان للانسان عدوا مبينا»؛ [5] همانا شیطان میان آنها را به هم می زند؛ بی گمان شیطان دشمن آشکار انسان است.
- 3- جوان و اهمیت آن از منظر اسلام

اسلام، توجه خاصی به مقطع حساس جوانی دارد و اولیای الهی از جوانی به عنوان نعمت مجهول یاد کرده اند: امام علی(ع) می فرماید: "دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی شناسد مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی[6]". رسول خدا(ص) آن را در پیشگاه الهی سرمایه ای ارزشمند می داند تا جایی که دوران جوانی را از موضوعاتی می شمارد که در قیامت از آن سؤال می شود. حساس بودن این دوره اقتضا می کند رفتار با جوان بسیار ظریف و حساب شده باشد. از این رو رسول اکرم(ص) می فرماید: "من به تمام شما مسلمانان سفارش می کنم که به جوانان نیکی کنید"[7]. بر اساس این نظریه به منظور اعطای شخصیت و استفاده از نیروی جوانی و مشارکت جوانان در عرصه های مختلف، پیامبر اکرم(ص) در موارد متعددی پاره ای از مشاغل مهم مملکت را به جوانان شایسته واگذار نمودند و در کمال صراحت قولاً و عملاً از آنان حمایت کردند، هرچند انجام چنین عملی در محیط سراسر جهل و تعصب آن روز به سادگی انجام نمی شد. حضرت با مسئولیت سپاری به جوانان، مراتب اعتماد خود را به این قشر پویای جامعه نشان داد مثلاً مصب بن عمیر جوان را به مدینه فرستاد تا به تبلیغ اسلام بپردازد و عتاب بن اسید را در جریان جنگ حنین به فرماندار مکه منصوب کرد، در حالی که بیست و یکسال داشت، حتی در پاسخ به اعتراض رجال عرب و بزرگان مکه فرمود: ملاک فضیلت انسان بزرگی سن نیست بلکه میزان فضیلت و کمال معنوی است. در روزهای آخر زندگی خود اسامه بن زید را به فرماندهی سپاه مسلمانان برگزید، در حالی که هجده ساله بود. در واقع حضرت با واگذاری پاره ای از مشاغل مهم داخلی و خارجی، لشکری و کشوری به جوانان بر لیاقت و شایستگی جوانان مؤمن صحنه گذاشته است.

1-3 نقش جوانان در بیداری اسلامی

یکی از ویژگیهای بیداری اسلامی این است که می توان آن را بیداری جوانان نامید زیرا ستون فقرات و عنصر فعال آن را پسران و دختران جوان تشکیل می دهند. آنان در واقع قشر فرهنگی و دانشگاهی و طلاب جوان مدارس دینی و دانش آموزان دبیرستانی هستند و در میان آنان جوانان بیسواد و کم معلومات کمتر یافت می شوند. و این پدیده بیانگر آن است که پیشگامان و رهبران بیداری اسلامی را جوانان نخبه و اندیشمند و دانشمند و در کنار آن بهرمنند از معنویت و اخلاق فردی و اجتماعی بر عهده دارند. از این که ارکان و ستون فقرات بیداری اسلامی را جوانان تشکیل می دهند نباید شگفت زده گردید، زیرا جوانان به خاطر برخورداری از دلهای پاک تر و عواطف لطیف و اراده ی برتر در طول تاریخ از تواناییهای خود برای گسترش رسالت پیامبران خداوند بیشترین استفاده را نموده اند (قرضاوی: 1388، 25). با توجه به اهمیت و نقش جوان در آینده سازی کشورهای اسلامی است که امام خامنه ای(مد ظله العالی) در اجلاس بیداری اسلامی خطاب به اندیشمندان جهان اسلام در ضرورت نقش و حضور جوانان می فرمایند: نسل امروز کشورهای اسلامی این ظرفیت را دارد که به چنین کارهای بزرگی بپردازد. نسل جوان امروز مایه ی افتخار

نسل‌های پیشین خویش است. به نسل جوان خود اعتماد کنید، روح اعتماد به نفس را در آنان زنده کنید (ir.khamenei.www). تحولاتی که در خاورمیانه روی داده به خوبی گویای این حقیقت است که دیگر جوانان، اقشار تحصیل کرده و نخبگان زیر بار زور نمی روند. آگاهی در میان مردم به وجود آمده است و از همین رو قبول نمی کنند که حاکمی فرعون وار که به نوعی عامل آمریکا و صهیونیسم نیز است، چندین دهه بر آنها حکومت کند. از این رو امت اسلام باید قدرت جوانان را در رویارویی با مسایل بزرگ تحریک کند و اگر می خواهد که جوانان چنین نقش فعالی داشته باشند و هنگامی که می بیند جوانان خود چنین نقشی را ایفا می کنند، باید کیفیت و ماهیت فکری و سیاسی و حرکتی احزاب و سازمان‌هایشان را از جهت هماهنگی با تعهدات فکری و عقیدتی و نیز از جهت اهتمامشان به مسایل امت - در سطح تحقق بخشیدن به اهداف بزرگ آن در خط پایداری و مقاومت - مورد مطالعه و تحقیق و ارزیابی قرار دهد. علاوه بر این باید ماهیت رهبری و عناصر فعال و برجسته آن محور سیاسی را به خوبی بشناسد و پیامدهای غیرقابل اجتناب و مسیر و زمینه فعالیتش را مورد مطالعه و کاوش قرار دهد. بر جوانان لازم است در تمام ویژگیهای آشکار و پنهان محور سیاسی (حزب، گروه، سازمان) دقت فراوان کنند و اطمینان حاصل نمایند که نیروهایشان به هرز نخواهد رفت و در خدمت مقاصد فردی قرار نخواهد گرفت و به استخدام حرکتها و گرایشهایی که با سخن به ظاهر حق، نیات باطل دارند در نخواهد آمد و همین طور دیگر اموری که نیروهای با اخلاص و پاک نیت را به نیروهای غیر قابل استفاده یا منحرف تبدیل می کند.

جهان اسلام و جامعه اسلامی

به مجموعه کشورها و نواحی اسلامی و انعکاسات فرهنگی و سیاسی آن جهان اسلام و کل جمعیت مسلمان جهان اعم از اکثریت ساکن در سایر کشورهای اسلامی و اقلیت های ساکن در سایر کشورها از جمله آمریکا، اروپا و شرق آسیا را جامعه اسلامی می نامیم که با پیوند تعالیم عالیه اسلامی یک مجموعه واحد و مشابهی را نشان می دهند (مستوفی الممالکی: 1381، 64).

4-1- کشور اسلامی

کشور اسلامی یک واحد سیاسی اسلامی است که حدود و مرزهای آن نظیر سایر کشورها مشخص و اغلب سیاسی و قراردادی است. معمولاً یک کشور اسلامی دارای شرایط زیر است:

استقلال سیاسی و پذیرفته شده در نظام سیاسی جهانی.

اکثریت مردم معمولاً بیش از 50 درصد مسلمان باشند.

دارای ملت و دولت قانونی و نوعی حکومت منطبق با اصول اسلامی باشند. یعنی دارای فرهنگ مسلط اسلامی باشند.

هیئت حاکمه آن از اقلیت مسلمان جامعه انتخاب شود.

شکل 1: نقشه پراکندگی کشورهای اسلامی

4-2- توان ها و پتانسیل های کشورهای اسلامی

جهان اسلام به لحاظ جغرافیایی، وسعت قابل ملاحظه‌ای از کره خاکی را در بر می‌گیرد. گستره آن حدود یازده هزار کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی‌ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود 6 هزار کیلومتر عرض جغرافیایی، از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را در بر می‌گیرد. جمعیت جهان اسلام براساس برآوردهای خوش بینانه، بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون نفر می‌باشد که عمده آنها در گستره پیش گفته در قالب ملیت‌های مختلف، پیرو دین اسلام هستند. این گستره، دربرگیرنده منطقه اسلام مرکزی و اسلام پیرامونی است. اسلام مرکزی شامل کشورهای است که در سال‌های آغازین گسترش اسلام به این دین گرویدند و اسلام پیرامونی، قسمتهایی از جهان اسلام است که در سده‌های بعدی، اسلام را به عنوان يك آیین آسمانی برای خود انتخاب کردند. علاوه بر این گستره، امروزه مسلمانان در همه کشورهای دنیا حضور دارند. جمعیت مسلمانان در برخی کشورهای اروپایی، اگر چه در اقلیت هستند، ولی اقلیتی را تشکیل می‌دهند که به مثابه اکثریت قابل ملاحظه‌ای می‌باشند. کشورهای اسلامی با بهره‌مندی از امکانات تولیدی و منابع زیر زمینی و معدنی در مجموع یکی از بزرگترین قدرت‌های اقتصادی به‌شمار می‌آیند. از بعد سیاسی نیز اغلب کشورهای اسلامی در مناطق حساس ژئوپولیتیکی و از جمله مناطق ارتباطی، تنگه‌ها و گذرگاه‌های مهم آبی، خلیج‌ها و دریاهای حساس جهان توزیع شده‌اند. که همین مساله ابعاد سیاسی را در کنار ابعاد اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی افزایش و حساسیت آن‌ها را بیشتر در صحنه‌های بین‌المللی مطرح می‌کند. (مستوفی الممالکی: 1381، 67).

در این قسمت مهم ترین نقاط ضعف و چالش های پیشروی کشورهای اسلامی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و مورد بررسی قرار گرفته و به شرح ذیل می باشند:

چالش های برون زا :

مهم ترین چالش و تهدید برون زا در کشورهای اسلامی خصوصا خاورمیانه را می توان حضور نیروهای فرامنطقه ای بخصوص آمریکا پس از 11 سپتامبر برای اعمال سیاست امنیت تک قطبی بر اساس هژمونیک گرایی دانست (دهشیری: 85، 1386).

تهاجم فرهنگی و دخالت مستمر دولت های خارجی در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای اسلامی.

چالش های درون زا :

موانع سیاسی: بی نظمی سیاسی، وجود دولت های ناکام و ناکارآمد، درگیری های مرزی جرایم سازمان یافته همچون تروریسم، رشد ایدئولوژی های افراطی همچون وهابیت.

موانع اجتماعی :

رشد سریع جمعیت و شهرنشینی کنترل نشده، خشونت های وسیع، منازعات قومی و قبیله ای، مهاجرت ها و جریان های آوارگان و پناهندگان، شکاف قومی و قبیله ای، گستردگی فقر در نواحی شهری و روستایی.

موانع اقتصادی :

شکاف اقتصادی فزاینده، ساختارهای اقتصادی مبتنی بر تک محصولی، سطح نازل فناوری، توسعه ناهمگن صنعتی کمبود تولید، وجود شکاف درآمدی و بی عدالتی در توزیع درآمدها بین اقشار مختلف مردمی و....

موانع ساختاری:

فقدان رهبری و مدیریت مناسب، عدم وجود یک قطب قدرتمند منطقه ای برای هویت همگرایی، ناکارآمدی نهاد های منطقه ای.

موانع امنیتی:

وجود عوامل آشوب ساز و قدرت های منطقه ای چالشگر، رشد مسابقات تسلیحاتی کشورهای منطقه و جنگ روانی و اطلاعاتی که به افزایش واگرایی منطقه ای می انجامد.

1-5- موانع ایجاد همگرایی در بین کشورهای اسلامی

استبداد داخلی: یکی از عوامل مهم سد راه ایجاد همگرایی و وحدت در جهان اسلام و تحقق امت واحده، حاکمیت دولت های خودکامه در برخی از کشورهای اسلامی که در خدمت قدرت های سلطه گر خارجی می باشند، بوده است.

اختلافات سیاسی: وجود ناهمگونی در نظام های حکومتی و ساختار های سیاسی کشور های اسلامی که غالباً منجر به اختلافات سیاسی می گردد. برخی از کشورهای اسلامی دارای نظام پادشاهی (اکثر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس)، برخی جمهوری، برخی غربگرا و محافظه کارند و برخی دیگر چون ایران و سوریه انقلابی. در مجموع تنوع نظام های سیاسی در جهان اسلام و ماهیت ناسازگار برخی از آن ها با یکدیگر نوعاً مانع از یکپارچگی و همبستگی میان کشورهای اسلامی می شود.

ملی گرایی افراطی: عامل دیگری که موجب ناسازگاری کشورهای اسلامی گردیده است و به تضعیف روند اتحاد و همگرایی در جهان اسلام کمک می کند، ملی گرایی افراطی است که ریشه در برتری طلبی نژادی و قومی دارد که از آن به شوونیسم یا ملی گرایی افراطی تعبیر می شود. در کشورهای اسلامی بعد از جنگ جهانی دوم برای مقابله با استعمار به تقویت ملی گرایی و بسیج نیروهای ملی پرداخته شد ولی بدلیل افراط در ملی گرایی راه به بیراه برد و تضعیف روند همگرایی منطقه ای را بدنبال داشت (کاظمی: 1370)

رقابت به جای همکاری: کشورهای اسلامی به جای همکاری غالباً به رقابت با یکدیگر مشغولند. این رقابت ها یا ناشی از تعارض منافع ملی و تلاش برای کسب برتری منطقه ای بوده است یا از اختلاف مرزی و

سرزمینی سرچشمه گرفته و یا اینکه عامل ایدئولوژیک در آن نقش داشته است.

بی ثباتی سیاسی: بسیاری از کشورهای اسلامی که بعد از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیدند، همراه به بی ثباتی داخلی مواجه بودند، زیرا میراث شوم استعمار و اشغال خاک یک کشور توسط بیگانگان تا سال ها گریبان گیر مردم آن کشور خواهد بود. وجود جریان های مخالف داخلی، کودتا، ترور، درگیری های قومی مذهبی، جنگ های داخلی و تغییر حکومت از جمله عوامل بی ثباتی به شمار می رود که غالب کشورهای اسلامی تجربه کرده اند.

استعمار خارجی: بسیاری از کشورهای اسلامی بدلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه ای برخوردارند و زمینه دخالت های کشورهای قدرت طلب و استعمارگر را فراهم می کند. اردلایل دیگری که برای مداخله قدرت های استعماری در کشورهای اسلامی وجود دارد ، ضعف فرهنگی و ایدئولوژیکی ، خوباختگی نخبگان فکری و سیاسی آنها ، ضعف سیاسی و اقتصادی ونظامی این کشور ها می باشد.

صهیونیسم: استعمار با خلق یک قدرت نوظهور به نام صهیونیسم جنگ فرسایشی را بر ملت های مسلمان تحمیل کرد. رویارویی مسلمانان و صهیونیست ها زمینه اختلافات و وتفرقه میان کشورهای اسلامی را به وجود آورد ودر نتیجه قدرت جهان اسلام را کاهش داد. صهیونیسم با استفاده از سیاست تفرقه اندازی خود جنبش های اسلامی و عربی را متلاشی کرد و سعی بر این دارد تا با دامن زدن بر فرقه گرایی و تقسیم سرزمین های اسلامی به اهداف و مطامع توسع طلبانه خود در جهان اسلام دست یازد.(ولایتی:179-151،1389).

6- فرصت ها و چالشهای پیشروی موج بیداری اسلامی

کشورهای اسلامی است برای رسیدن به مقصد و هدف اصلی خود که تحقق امت واحده اسلامی است با مشکلات و تهدیداتی روبرو هست همچنین فرصت هایی را در اختیار تمامی ملت های مسلمان قرار می دهد تا به این خواسته فطی دست یازند که در زیر به مهم ترین انها اشاره می شود:

7-1- فرصت ها

افزایش اهمیت و موقعیت مدل انقلاب اسلامی ایران در منطقه و اثبات الگویی آن .

شکست استراتژی و راهبردهای غرب بخصوص آمریکا در منطقه با افزایش تنفر مردم از آن کشور و

شکست‌های مستمر آمریکا در پیاده کردن پروژه‌های خود در خاورمیانه نظیر به قدرت رسیدن ائتلاف شیعیان و اکراد در عراق، پیروزی حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین و اخوان‌المسلمین در مصر و ...، لذا هرگونه ضعف و شکست آمریکا فرصت و نقطه قوت برای جنبش اسلامی در مبارزه با استکبار و سلطه‌طلبان است.

تبدیل کشورهای متخاصم منطقه و همسایگان ایران به کشورهای دوست علیرغم لشکرکشی و حضور نظامی آمریکا در منطقه مثل طالبان در افغانستان، حزب‌الله در عراق و یا به لرزه افتادن کشورهای دشمن منطقه مثل مصر، اردن، رژیم اشغالگر قدس و ... و در واقع عقبه حوزه استحفاظی سنتی آمریکا در منطقه در حال فروپاشی و خلاء قدرت است که جمهوری اسلامی ایران، بهترین گزینه برای پر کردن آن است.

فرایند تغییر در موازنه قدرت با استمرار بی‌ثباتی و ناامنی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و فاصله ایجاد شده بین رژیم صهیونیستی با ترکیه و مصر و حتی اردن و تقویت روابط بین ایران با قطر، عراق و تقویت حوزه نفوذ در لبنان و فلسطین و حمایت منطقی و عقلانی از سوریه و بازنگری مثبت در روابط با مصر می‌تواند موازنه قوا در منطقه به نفع محور مقاومت باشد.

افزایش بیداری اسلامی و خود آگاهی اسلامی: در سال های اخیر گرایش مردم منطقه به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و مبارزه با سلطه طلبی غرب و آمریکا بشدت افزایش یافته است. این موضوع دولتمردان غربی را شدیداً نگران ساخته و عامل هشدار مراکز راهبردی غرب گردیده است.

کاهش دولت های متخاصم در منطقه: پیامد تحولات سال های اخیر در خاورمیانه، سقوط دولت طالبان و روی کار آمدن دولتی عمدتاً هماهنگ با سیاست های ایران، فروپاشی حزب بعث و دولت صدام و روی کار آمدن دولت شیعه طرفدار نظام جمهوری اسلامی ایران، همگرایی دولت اسلام گرای ترکیه با ایران به واسطه تهدید مشترک، توسعه روابط ایران با کشورهای ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان.

افزایش قیمت انرژی و افزایش تقاضای جهانی به انرژی: نیاز اقتصاد جهانی به انرژی باعث شد تا دولت های قدرتمند و صنعتی جهت حفظ رشد اقتصادی خود به تأمین انرژی مطمئن روی آورند. این نیازمندی موجب رویکرد کشورهای صنعتی به کشور های اسلامی به عنوان بزرگتری دارنده منابع نفت و گاز در جهان می باشد.

ضعف و چالش در ارکان رژیم صهیونیستی: اساس رژیم صهیونیستی بر سه موضوع استوار است:

الف) ارتش و جوخه‌های ترور

ب) مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی

ج) حمایت قدرت‌های غربی

در سال‌های اخیر هر سه رکن فوق‌آسیب‌جدي دیده‌اند. تهاجم اسرائیل با هدف نابودی حزب‌ا...، منجر به شکست رژیم صهیونیستی و افسانه شکست‌ناپذیری آن شد و امنیت به اصطلاح پایدار 60 ساله آن فرو ریخت. مبارزه بی‌امان فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی و ناامن ساختن همه سرزمین‌های اشغالی توسط حزب‌ا... لبنان، مهاجرت را در این سرزمین معکوس کرده است. بدین ترتیب موقعیت رژیم صهیونیستی بعنوان یکی از دشمنان کشورهای اسلامی، بسیار ضعیف شده است.

7-2- چالش‌ها و تهدیدات پیشروی موج بیداری اسلامی

مشکلات و خطراتی که به دنبال خیزش‌های مردمی کشورهای اسلامی ممکن است، آسیب‌ها، تهدیدات و چالش‌هایی را در راه تحقق امت واحد اسلامی ایجاد کند عبارتست از:

ایجاد و تشدید بهانه برای قدرت‌های سلطه‌گر جهت حضور و گسترش نظامی آنها در کشورها و منطقه حساس خلیج فارس برای تأمین امنیت انرژی.

خیزش‌ها و اعتراضات مردمی از یک طرف باعث برخی اعتراضات و نارضایتی‌ها در سوریه، کشوری که سال‌ها در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی قرار داشته است. با وجود اذعان به برخی مسایل و مشکلات در سوریه و ناشی‌گری و سوء برخورد مسئولین سوری، به نظر می‌رسد اعتراضات مردم با تحریک و حمایت وسیع و آشکار برخی کشورهای عربی نظیر عربستان، قطر، آمریکا، اروپا، ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد و با خصیصه عمومی ضدیت با استکبار و رژیم صهیونیستی و مردمی بودن قیام‌های مردمی همخوانی ندارد، تهدید کشور متحد محور مقاومت، تهدید و چالش برای موج بیداری اسلامی هم محسوب می‌گردد.

دامن زدن به اختلافات مذهبی بخصوص با توجه به قیام مردم بحرین که تقریباً اکثریت قابل توجه آنان شیعه مذهب هستند، تجاوز و دخالت نیروهای نظامی آل‌سعود در بحرین و حمایت سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس از آن، امکان درگیری و رویارویی بین ایران و عربستان را برخی کارشناسان محتمل

می‌دانند.

تشدید اقدامات تروریستی علیه کشورهای اسلامی با حمایت مالی و تسلیحاتی برخی کشورهای منطقه خاصاً حمایت از پژاک در شمال غرب ایران و سلفی‌ها، جندالشیطان در شرق و منافقین را در جاهای دیگر می‌توان نام برد.

گسترش حضور نظامی بیگانگان؛ توسعه و گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و اطراف مرزهای جمهوری اسلامی یکی دیگر از تهدیدات خارجی محسوب می‌شود.

طرح خاورمیانه بزرگ؛ طرح فوق در حوزه امنیت کشورهای اسلامی بوده و سلطه نوینی را با روشی جدید تحت عنوان دموکراسی سازی بر منطقه حاکم می‌کنند که با منافع و امنیت ملی کشورهای منطقه در تضاد است. آمریکایی‌ها در این پروژه به دنبال تغییرات اساسی در سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی منطقه خاورمیانه هستند.

جهانی‌سازی؛ پروژه جهانی سازی یکی دیگر از جنبه‌های تهدید بین‌المللی کشورهای اسلامی است. فرآیند جهانی سازی که از سوی قدرت های غربی بویژه آمریکا جهت یکسان سازی فرهنگ و عادات ملت ها و تضعیف مرزهای جغرافیایی و فرهنگ و نیز اقتصاد ملی مطرح است از جلوه‌های برجسته تهدیدات بین‌المللی علیه موج جدید بیداری اسلامی به شمار می رود.

ناتوی فرهنگی؛ مهمترین زمینه‌های تغییر رویکرد آمریکا به ناتوی فرهنگی عبارتند از کارآمدی اسلام در تقابل با سلطه غرب و نیز تناقضات و ناکارآمدی لیبرال دموکراسی. نابودی هویت ملی جوامع بشری، بدست گرفتن سر رشته تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای هدف، مجبور کردن ملت ها به پذیرش فرهنگ مبتذل دولت های استعماری، سازماندهی و حفظ انسجام تمدن غربی و جلوگیری از ایجاد تمدن اسلامی از مهمترین اهداف ناتوی فرهنگی است. رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به ویژه مقابله با ایمان انسان هایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند. به نظر می‌رسد بهره‌برداری از فرصت‌ها و نقاط مثبت و تقویت آنها و کاهش چالش‌ها و تهدیدات و آسیب‌ها و حتی تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها نیازمند هوشیاری و برخورد باتدبیر و عقلانی مسئولین کشورهای اسلامی را می‌طلبد وگرنه ممکن است با شیطنت دشمنان و کوتاهی مسئولین نقاط مثبت و فرصت‌ها نیز به چالش و تهدید تبدیل گردد.

6- راه کارهای پیشنهادی

به نظر ما، باید، شناخت چالش ها و تهدیدها به صورت جدی در استراتژی فرهنگی جهان اسلام مورد توجه قرار گیرد و فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام، ارتباط تنگاتنگی با هم داشته، برای چیره شدن بر این چالش ها، راه کارهای بایسته و شایسته ارائه دهند. ما در این عرصه راه کارهای زیر را پیشنهاد می کنیم :

1- آغاز نهضت علمی تکنولوژی جهت تولید علم در جهان اسلام و تشویق مرکز و مؤسسات علمی و پژوهشی در آن، برای دستیابی به استراتژی مطلوب و علوم مختلف برای رسیدن به اهداف انسانی و مسالمت آمیز. (مانند ژنتیک و علم تکنولوژی مسالمت آمیز هسته ای).

2- تأسیس مؤسسات و سازمان های علمی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در جهان اسلام با همکاری سازمان ایسیسکو، هماهنگی میان این سازمان ها، که در آن به بحث و بررسی موارد زیر می پردازند:

الف) تشخیص و شناخت وضعیت فرهنگی، علمی، آموزشی و اجتماعی جهان اسلام، براساس معیارها و اطلاعات آمارهای بین المللی.

ب) تشخیص و شناخت چالش ها و تهدیدهای داخلی و خارجی جهان اسلام.

ج) شناخت فرصت ها و استعدادها موجود در جهان اسلام.

د) تنظیم اهداف عینی استراتژی فرهنگی جهان اسلام، در عرصه های فرهنگی، علمی، آموزشی و اجتماعی.

هـ) شناخت تجربه های موفق در کشورهای اسلامی، برای چیره شدن بر چالش ها و مشکلات موجود در جوامع اسلام و ارائه سفارش های لازم جهت استفاده از این تجربه ها، در همه مناطق جهان اسلام.

3- برپایی کنگره های بین المللی، پیرامون موضوعات یاد شده، با شرکت اندیشمندان، عالمان، فرهیختگان جهان اسلام و استفاده از دستاوردهای این کنگره ها، برای اصلاح و بازنگری.

4- تشکیل گروه، دائمی برای بررسی و تجدید نظر در استراتژی فرهنگی جهان اسلام، به طوری که وظیفه این گروه هموار کردن راه، برای پیاده کردن راه کارهای پیشنهادی اول و دوم این متن باشد.

5- اهمیت ورزیدن به مسائل مهم و سرنوشت ساز جهان اسلام، به ویژه، مسأله فلسطین و تأکید بر ضرورت زنده نگه داشتن هویت ملی و تاریخی فلسطین (که مهم ترین ویژگی های این هویت، هم زیستی مسالمت آمیز مسلمانان، مسیحیان و یهودیان، در سرزمین فلسطین است) و به یقین، تنها راه کار عملی برای دستیابی به این هدف عبارتست از: برپایی رفراندوم همگانی در سرزمین های اشغالی، زیر نظر سازمان های بین المللی و مشارکت همه فلسطینیان در این رفراندوم.

6-اعتماد سازی: اعتماد سازی موجب افزایش توانایی ها و کاهش هزینه ها می شود و از طریق گسترش گفتگو ها، ارتقای همکاری های دو یا چند جانبه در کنار گفتگوهای امنیتی غیر رسمی، گردهمایی نخبگان و دانشگاهیان برای حل بحران ها.

7-تنش زدایی: حذف نقش زور در حل و فصل اختلافات سیاسی، رفع ذهنیت تهدید و مخاطره از سوی کشورهای اسلامی مخصوصا خاورمیانه.

8- امنیت دسته جمعی: گسترش همکاری های امنیتی درون منطقه ای با حذف قدرت های خارجی و فرا منطقه ای که موجب کاهش زمینه های رفتارهای تهاجمی بین اعضا می شود.

9-افزایش همیاری ها و مبادلات منطقه ای: ارتقای سطوح تعاملات، مناسبات و همکاری های اقتصادی و سیاسی نیازمند این امر است که کشورهای اسلامی به این نتیجه برسند که سرنوشت آنها به یکدیگر وابسته است.

10-هویت گرایی فکری و فرهنگی: ضرورت توجه به عنصر اندیشه و قدرت مفهوم سازی و نظریه پردازی و تولید علم برای نخبگان فکری و فرهنگی، توجه به دانش اطلاعات و ارتباطات .

7- نتیجه گیری

بیداری اسلامی نتیجه نهایی ایمانگرایی و خردورزی دین مدار آگاه زمان است. عصر حاضر را باید به حق در یک کلام قرن احیای مجدد بیداری اسلامی دانست. بیداری اسلامی نوعی بازگشت به سنت اصیل اسلام و باور درست به آن است. بیداری اسلامی فقط یک اعتقاد و باور نیست، بلکه یک حرکت به سوی ریشه های حقیقی

اسلام است. جهان اسلام در عصر حاضر نیازمند الگویی است که توانایی مقابله با موانع وحدت و یکپارچگی را داشته باشد. طبیعتاً چنین الگویی باید از مبانی نظری نفوذ ناپذیری برخوردار باشد. جهان اسلام برای رسیدن به وحدت و یکپارچگی و تحقق امت واحده از فرصت‌ها و قابلیت‌های فراوانی برخوردار است، که در این میان همگونی‌ها و تشابهات دینی و فرهنگی از پایداری بیشتری برخوردار می‌باشند، در واقع اسلام به عنوان دین مشترک و آموزه‌های آن به عنوان اصول مورد قبول همه، خود بزرگترین فرصت را به کشورهای اسلامی و جهان اسلام می‌دهد و الگوی معتبری برای وحدت و یکپارچگی است و چنانچه مسلمانان در این نهضت بیداری اسلامی که سرآغاز فصل جدیدی در تاریخ بشریت است به هویت دینی خود بازگردند و در برابر اسلام و آموزه‌های آن سر تسلیم فرود آورند قادر خواهند بود در راه تحقق امت واحده اسلامی گام بر دارند. زمانی که امت اسلام با همه این مسایل - با وصف مثبت یا منفی اش - روبه‌رو است چاره‌ای ندارد جز اینکه برای جذب عناصر مثبت آن و رشد و تکامل این عناصر چندان بکوشد که قدرت و ثبات و استحکام آن تحقق یابد. همچنین در برخورد با نقاط منفی در جهت کاستن از آثار آن و جلوگیری از گسترش و انتشار آن در حد امکان تلاش کند. امت اسلام نمی‌تواند به این اهداف دست یازد مگر به وسیله قدرت جوانان. زیرا این قدرت به سبب طبیعت جوانی و بلوغ و مردانگی آماده رویارویی و برخورد با چالش‌ها است. حرکت‌های رو به رشد بیداری در سطح جوامع اسلامی، نوید بخش آینده‌ای روشن و سرشار از استقلال و پیشرفت برای ملت‌های مسلمان می‌باشد، که بر تارک آن می‌توان حکومت جهانی موعود را نظاره گر بود، حکومتی که وقوع آن حتمی و وعده داده شده‌ی از سوی خداوند متعال است، آن‌جا که می‌فرماید: «أن الأرض يرثها عبادي الصالحون» [8]. و حاکم دادگستر آن بهترین حاکمان، چنان که در مصحف شریف آمده است: «بقیت ا[] خیر لکم إن کنتم مؤمنین» [9].

منابع

آدمی، علی و سید مهدی حبیبی، (1391)؛ انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، فصلنامه علمی پژوهشی "پژوهشنامه انقلاب اسلامی" سال اول شماره 2.

پیغان، نعمت ا[]، (1385) : امت واحده از همگرایی تا واگرایی، انتشارات نگاه حوزه.

حامد، عبدا[] (1381): اختلاف در امت واحده، تهران انتشارات قلم.

حکیم، سید محمد باقر(1377) : وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، انتشارات تبیان ، تهران.

دفتر تبلیغات اسلامی، (1385) : انقلابی متمایز؛ جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

دهشیری، محمد رضا (1386) : کتاب خاورمیانه، ویژه مسائل و چالش های خاورمیانه، موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر، تهران، چاپ سوم

شیرودی، مرتضی، (1388) : انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم.

قرضاوی، یوسف،(1388) : ، نشر معارف، چاپ دهم، قم، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.

کاطمی، علی اصغر، (1370) : نظریه همگرایی در روابط بین الملل، نشر قومس، تهران .

مستوفی الممالکی، رضا، (1381): جهان اسلام و نحوه توزیع سرزمین و جمعیت اسلامی (تحلیل آماری جغرافیایی و اجتماعی سیاسی در قالب نواحی اسلامی)، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء(س)، سال 12، شماره 43، پاییز.

ولایتی، علی اکبر،(1388) : فرهنگ و تمدن ایران و اسلام،، نشر معارف، چاپ دهم، قم.

ولایتی، علی اکبر(1384): فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، قم.

ولایتی، علی اکبر و رضا سعید محمدی، (1389) : تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان .

Dareieni ,Ali Akbar (2011), "Iran Leader: West Cannot .Confiscate. Arab Spring" Associated Press (August 31).

Rod Nordland and David D. Kirkpatrick, (2011) .Islamists. Growing Sway Raises Questions for
Libya,. New York Times, September 14.

<http://www.rasekhoon.net>

[http:// www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

<http://www.hawzah.net>

[1] ترجمه جوامع الجامع، ج4، ص: 173

[2] بقره (2) آیه 213.

[3] . روم (30) آیه 32.

[4] آل عمران (3) آیه 118.

[5] اسرا (17) آیه 53

[6] غرالحکم، ج 4، ص 183.

[7] میزان الحکمه، ج1، ص 349.

[8] (انبياء (21): 105

[9] (هود (11): 86

